

خبر

کاهش باورنکردنی قیمت سکه و طلا

● **شرق**؛ در هفته گذشته بازار سکه، طلا و ارز با افت قیمت فراوانی روبه‌رو شد و به نظر می‌آید درصورت بازگشت آمریکا به برجام و برداشتن تحریم‌ها این روند ادامه پیدا کند. طبق تحلیل‌ناب‌رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران از وضعیت یک هفته اخیر قیمت سکه و طلای داخلی باوجود تعطیلی بازار، قیمت‌ها به‌طورکلی کاهش چشمگیری داشته است؛ به‌گونه‌ای که هر قطعه سکه بیش از ۴۰۰ هزار تومان ارزان شد اما آنچه بسیار به چشم می‌آمد، کاهش عرضه سکه در بازار معاملات بوده که سبب افزایش ۱۸۰ هزار تومانی حباب هر قطعه شده و مجدد حباب سکه را که تا ۱۶۰ هزار تومان هم کاهش یافته بود به محدوده ۴۰۰ هزار تومان کشانده است. محمد کشتی‌آرای در گفت‌وگو با ایسنا، در رابطه با مسیر قیمتی سکه و طلا در یک هفته اخیر با وجود تعطیلی واحدهای رسمی معاملات و اصراف، اظهار کرد: قیمت‌ها تا روز چهارشنبه روند نزولی خوبی داشت و قیمت‌ها به شکل باورنکردنی درحال کاهش بود و به کمترین میزان قیمتی خود در ۹ ماه گذشته رسید؛ اما از اوایل صبح پنجشنبه هفته گذشته، نرخ ارز با افزایش همراه شد و سبب شد که قیمت سکه و طلا از نظر به بعد با کمی افزایش روبه‌رو شود. ناب‌رئیس دوم اتحادیه طلا و جواهر تهران ادامه داد: البته مجدد عصر روز پنج‌شنبه هفته گذشته با شکل‌گیری معاملات در اصطلاح «تلفنی»، مجدد قیمت‌ها کاهشی شد.

در مجموع اما بررسی روند قیمت‌ها از ابتدای هفته گذشته تا روز پنجشنبه نشان از کاهش چشمگیر قیمت‌ها دارد. وی خاطر نشان کرد: آنچه طی یک هفته اخیر بسیار به چشم می‌آمد، این بود که باوجود کاهش تقاضا و دادوستدها (به سبب تعطیلی بازارهای رسمی)، کاهش عرضه سکه در بازار معاملات، سبب شد که حباب سکه طرح جدید در روزهای پایانی هفته افزایشی شود و تقریبا ۱۸۰ هزار تومان افزایش حباب برای هر قطعه، ایجاد شود. این‌مقام صغنی با بیان اینکه احتمالا از شنبه که بازارهای رسمی و اصناف بازگشایی خواهند شد، نرخ ارز و همچنین قیمت سکه و طلا واقعی خواهد شد و مسیر خود را مشخص خواهند کرد، اظهار کرد: بسیاری از فعالان بازار معتقدند که کاهش نقدینگی در بازار، پارامترهای اقتصادی و صحت‌هایی که در روز در جریان است، مدیریت بانک مرکزی درخصوص



کنترل نرخ ارز و… سبب کاهش قیمت سکه و طلا شده است و اظهارنظرهای متفاوتی وجود داشت اما به نظر بنده، امروز که بازارها بازگشایی خواهند شد، مشخص خواهد کرد که قیمت‌ها به چه سمت‌وسویی حرکت خواهد و تا چه میزان می‌تواند واقعی و شفاف باشد. کشتی‌آرای در رابطه با آخرین قیمت‌های ثبت‌شده برای قطعات سکه و طلا و تغییرات آنها نسبت به ابتدای هفته، گفت: قیمت سکه تمام‌بهار طرح جدید با ۵۰۰ هزار تومان کاهش به ۹ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان و هر قطعه سکه‌تمام طرح قدیم با کاهش ۵۰۰ هزارتومانی به ۹ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسیده‌اند. وی افزود: نیم‌سکه و ربع‌سکه نیز در پایان هفته به ترتیب پنج‌میلیون و ۵۰ هزار تومان و سه‌میلیون و ۲۰۰ هزارتومان تعیین قیمت شده‌اند که نیم‌سکه ۳۵۰ هزارتومان و ربع‌سکه ۳۰۰ هزار تومان نسبت به ابتدای هفته ارزان‌تر شده است. سکه‌های یک‌گرمی نیز در طول یک هفته اخیر ۱۰۰ تومان کاهش قیمت را تجربه کرده و به یک میلیون و ۸۵۰ هزار تومان رسیده است. ناب‌رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران با بیان اینکه روز پنج‌شنبه هفته گذشته اونس جهانی طلا با افزایش هنگتی به‌طور متوسط ۲۴ دلار، به ۱۷۹۵ دلار رسید، اعلام کرد: هر مثقال طلای ۱۷ عیار با کاهش ۲۶ هزار تومانی نسبت به ابتدای هفته به سه‌میلیون و ۹۶۰ هزار تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز به ۹۱۴ هزار تومان رسیده که عیار به‌طور متوسط کاهش ۶۰ هزار تومانی را نسبت به ابتدای هفته داشته است. این درحالی است که دلار آمریکا که شاخص قیمت‌هاست، روز پنج‌شنبه هفته گذشته با ۱۵۰ ۲۱۵۰ تومان کاهش هنگتی برای هر دلار به ۲۱ هزار و ۳۰۰ تومان رسید. کشتی‌آرای در پایان تأکید کرد: همان‌طورکه اشاره شد، باوجود کاهش تقاضا و کاهش معاملات، اما حباب سکه با افزایش ۱۸۰هزارتومانی بر روی هر قطعه به حدود ۴۰۰ هزار تومان رسیده و این درحالی است که در هفته پیش از آن حباب سکه به حدود ۱۶۰ هزار تومان رسیده بود.

سیاست‌های آزادسازی، خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی، پولی‌سازی و کالایی‌سازی پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کنونی کشور پس از جنگ تحمیلی است. سهم تضعیف ارزش پول ملی به‌عنوان مهم‌ترین متغیر اقتصاد کلان در بی‌ثبات‌سازی اقتصاد کلان، رکود تورمی، بی‌کاری گسترده، نابرابری‌های بی‌سابقه اقتصادی- اجتماعی، ثروت‌های نجومی، فساد بی‌سابقه در بافت اداری، فرهنگی و اجتماعی، تضعیف مستمر قدرت خرید مردم و بحران معیشتی جمعیت کثیری از جامعه؛ آسیب‌های اجتماعی ازجمله گسترش آفیون اعتیاد؛ رشد جرم و جنایت؛ خشونت و خودکشی؛ زنان خیابانی؛ کودکان کار؛ فرار مغزها و سرمایه‌ها؛ کسل‌های تهدیدکننده امنیت اجتماعی- سیاسی را سبب شده است.

مالیات توری

در اقتصاد تک محصولی ایران، تنها راه‌حل مرسوم و سهل‌الوصول برای رفع کسری بوده‌و تنگنای مالی نرخ ارز است و با نادیده‌گرفتن ریشه‌ها و عوامل کلیدی، نسخه افزایش نرخ ارز و اقلام اساسی به‌عنوان تنها راهکار کلیدی اقتصاد معرفی می‌شود. این نسخه برای گذران روزمره امور دولت و استمرار کسب منافع رانتی‌ها، همه فشارها را با اعمال مالیات توری به عامه مردم منتقل می‌کند. دراین‌میان به سود بنگاه‌های دولتی و شبه‌دولتی و قشر قلیلی از جامعه، بخش خصوصی واقعی و مردم روزبه‌روز نحیف‌تر و ضعیف‌تر می‌شوند. سیاست‌گذاری‌ها به جای کاهش نرخ تورم و پرداختن به ریشه مشکل به درمانی معطوف می‌شود که اقتصاد را وارد ماریج توری و دور تسلسل مخرب «افزایش نرخ ارز» افزایش نرخ تورم» افزایش نرخ ارز» می‌کند. این موضوع یعنی مالیات توری که در اصل فشار آن به اقشار ضعیف و متوسط وارد می‌شود، در سناریوی اعمال مالیات توری به جای «قطع مخارج غیر حاکمیتی و غیر ضروری دولت»، قطع یک حداقل توزیع و کاهش تدریجی رانت‌ها» و «اخذ مالیات از ثروتمندان و درآمد‌های بالا»، با ایجاد تورم (از طریق بالابردن بهای اقلام کلیدی، خدمات دولتی و نرخ ارز) فشار همه اینها به عامه مردم منتقل می‌شود که پیامدهای آن افزایش فقر و نابرابری، تشدید رکود در بخش خصوصی و بی‌کاری است. برندگان این اقتصاد رانتی-فاقتی-غارتی کاسبان تحریم‌ها هستند.

دارایی‌های اصلی آنها (مانند ارز، طلا، زمین، مسکن، مواد اولیه، کالاها) به‌همراه درآمد‌های آنها غیر ریالی است یا به دلار ارزش‌گذاری می‌شود و بازندگان عموم مردم هستند که درآمد‌های‌شان به ریال (کم ارزش‌گذاری‌شده) و هزینه‌های‌شان به دلار (بیش ارزش‌گذاری‌شده) است و با مالیات توری روبه‌رو می‌شوند. هم‌اکنون که اخبار کم‌رنگ‌شدن سایه تحریم‌ها به گوش می‌رسد، کاسبان تحریم‌ها در صف نخست مخالفان واقعی شدن (کاهش) متغیر کلیدی قیمت دلار و به‌تبع آن سایر دارایی‌ها و تخلیه حباب قیمت دارایی‌ها هستند.

توجه به دو رویداد در ماه‌های گذشته حائز اهمیت است، نخست، افزایش شدید درآمد‌های ارزی کشور (هم به سبب افزایش شدید قیمت مواد خام و اولیه صنعتی مانند فلزات و مواد شیمیایی و هم افزایش صادرات و بهبود قیمت نفت خام) و دوم، کاهش ارزش حقیقی دلار (افزایش شدید قیمت مواد خام و اولیه صنعتی و مواد غذایی در جهان). این دو رویداد سبب می‌شود که حتی با کاهش قیمت دلار، نتهت‌ها منافع بنگاه‌های خصولتی و شبه‌خصوصی تولیدکننده و صادرکننده مواد خام و اولیه (مانند فولادی‌ها و پتروشیمی‌ها) حفظ می‌شود، بلکه نسبت به سال گذشته بیشتر هم خواهد شد. با مقاومت شدید در مقابل کاهش قیمت‌ها و به‌ویژه قیمت ارز و نیز با توجه به افزایش شدید قیمت مواد خام و اولیه (افزایش شدید قیمت در جهان، باید در انتظار شوک سوم توری - به دنبال دو شوک قیمت سال‌های ۱۳۹۷ تا۱۳۹۹- از نیمه دوم سال ۱۴۰۰ بود. پیش‌بینی‌هایی که از ابتدای سال ۱۴۰۰ بازتاب یافته، حکایت از برنامه جدید برای تداوم بی‌ثبات‌سازی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کشور دارد.

دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان در زمین و مسکن، پس از بنگاه‌ها و بانک‌های خصولتی دومین گروهی هستند که از شوک‌های ارزی و قیمتی در تحریم‌ها بالاترین سودها را کسب کرده‌اند. این کاسبان بزرگ تحریم‌ها ضمن آنکه در برابر تخلیه حباب قیمت زمین و مسکن به‌شدت مقاومت می‌کنند، هم‌اکنون نسخه تزریق منابع مالی بانکی (از محل چاپ پول) به بازار املاک جهت ایجاد تقاضا و به تبع آن حفظ حباب قیمت زمین و مسکن را به بانک مرکزی پیشنهاد داده‌اند. کم‌دی تلخ موضع‌گیری‌های اخیر این اقتصادخوانده‌های پولی‌گرا این است که اینها همان کاسبانی هستند که در برابر برداشتن دولت از منابع بانک مرکزی برای حمایت از مردم در مقابل کرونا به‌شدت مخالفت کردند؛ اقدامی که در همه کشورهای صنعتی دنیا صورت گرفت. از نظر الیگارشا‌ها خلق پول برای تأمین منافع بانک‌های خصوصی با ذی‌نفعان بخش

اقتصاد

اقتصاد سیاسی؛ تورم و بحران اقتصادی در ایران

حسین راغفر - احسان سلطانی



عکس مصطفی روکسی، میزان

اقتصاد ایران است که صرفا به تحریم‌ها نسبت داده می‌شود؛ زیرا حتی هم‌اکنون که سایه تحریم‌ها در حال کوتاه‌شدن است، کاسبان تحریم‌ها همچنان از قیمت‌های بالای ارز، مسکن و کالاها دفاع می‌کنند.

دراین‌میان نباید از نقش مجلس نیز غفلت کرد که به‌همراه دولت و بانک مرکزی ظاهرا تنها وظیفه‌ای که برای خود قائل هستند، حفظ حباب قیمت ارز و دارایی‌های (زمین، مسکن، مواد اولیه، کالاها، سهام) آنهاست. هرچند شوک ارزی به ابزاری مناسب بدل شده است؛ اما نتیجه آن تخریب هدف‌گیری توری عیج‌چا الگوی یکسانی ندارد.

اقتصاد، رکود توری گسترده، فساد و رانت‌خواری و بی‌ثباتی اجتماعی شده است. رکود بخش مسکن از صعود بی‌سابقه قیمت مسکن و سقوط قدرت خرید مردم ریشه می‌گیرد. قدرت خرید مسکن به کمتر از نصف میانگین بلندمدت سقوط پیدا کرده است. نسبت قیمت مسکن به درآمد مردم به بالاترین سطح تاریخی خود در کشور که یکی از بالاترین نسبت‌ها در جهان است، رسیده است، به‌صورتی‌که امروزه ایران دارای بالاترین سهم مسکن از هزینه خانوارها در بین کشورهای جهان است. در ۲۰ سال گذشته ایران از بالاترین رشد قیمت حقیقی مسکن در سطح جهان برخوردار بوده است.

بحران مسکن شهری از تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در مسکن لوکس و مناطق خاص شهری و سرمایه‌گذاری ناکافی و نادرست در مسکن ارزان‌قیمت استطاعت مردم ریشه می‌گیرد. سوداگری در بخش مسکن بسا ورود منابع بانک‌ها و مؤسسات مالی خصوصی به بخش مسکن لوکس شهری شدت گرفت و دربی آن افزایش شدید قیمت‌ها و رکود مسکن یکی دیگر از دلایل دارایی‌های سمی بانک‌ها شد و تبدیل مسکن به کالای سرمایه‌ای و فعالیت‌های سوداگرانه و سفته‌بازانه در این بخش را تشدید کرده است. حفظ حباب قیمت مسکن منجر به رشد بالای اجاره‌ها و معضلات اقتصادی- اجتماعی برای خانوارهای اجاره‌نشین، به‌ویژه در تهران و شهرهای بزرگ شده است. به‌این‌ترتیب مقاومت در مقابل تخلیه حباب قیمت‌ها موجب خواهد شد تداوم افزایش سهم مسکن از هزینه خانوارها، بالارفتن نرخ تورم و فشارهای معیشتی در حداقل سه سال آینده را شاهد باشیم. تأمین منابع مالی برای تحرک تقاضا هیچ‌گونه منفعتی برای مردم دربر ندارد و همه این منابع با حفظ حباب قیمت یا افزایش قیمت مسکن نصب مافیای مسکن و سوداگران مسکن خواهد شد. کسانی که در یک سال گذشته مسکن را احتکار کردند و افزایش مستمر قیمت‌ها را رقم زدند، اکنون در انتظار امواج جدید توری مستهزانه تا منافع کلان دیگری به دست آورند. راهکار اصلاح وضعیت بازار مسکن استفاده لازم و کافی از ابزارهای مالیاتی و نیز ارائه مشوق‌های لازم برای تولید مسکن (برای طبقات متوسط و متوسط رو

به پایین)، برای مصرف و نه سوداگری است؛ کاری که در همه کشورهای صنعتی صورت می‌گیرد، اما دولت و بانک مرکزی دلواپس کاسبان تحریم‌ها هستند و سه سال است که از هر ابزاری برای توجیه بالابردن قیمت ارز استفاده کرده‌اند. از همه ترفندها برای ناموسی‌کردن ذخایر بانک مرکزی گرفته تا به‌کاریگری کلیشه‌های نخ‌نماشده «بازارسپاری، خروج سرمایه، ارزی‌اشی، سرکوب ارزی، بیماری هلندی و حمایت تولید؛ برای مهندسی افکار عمومی بهره گرفته‌اند. بخش مهمی از بحران و رکود اقتصاد کنونی نتیجه اجرای دو شوک ارزی متوالی بی‌سابقه در

دست دولت برای کاستن از نرخ ارز بسته است؟



خود مورد استفاده قرار دهد و نباید این منابع را برای مصارف جاری اعم از واردات و با نرخی غیرمعمول هزینه کند.

ابومحزّه تصریح کرد: نگرانی مجلس این بود که بانک مرکزی با فشار دولت این دارایی‌های ارزی

باکیفیت را با نرخ پایین صرف واردات کند و به همین دلیل بند مذکور در تبصره یک بوجه گنجانده و تبدیل به قانون شد. او در پاسخ به این نکته که «عرضه ارز حتی دو درصد پایین‌تر از نرخ بازار اما در حجم سنگین از سوی بانک مرکزی هم می‌تواند منجر به کاهش معنادار نرخ از در بازار آزاد شود»، اظهار کرد: بله، بانک مرکزی می‌تواند با عرضه ارز

ادامه از صفحه ۲

اقتصاد ما

و ضرورت بازتوزیع ثروت

همچنین دولت باید به فرایند تشکیل سرمایه‌های خرد و افزایش دارایی اقشار کم‌درآمد و متوسط جامعه کمک کند. این‌کار از طریق تسهیل استفاده از وام مسکن برای خانه‌دارشدن اقشار کم‌درآمد، به‌کاریگری شیوه‌های کارآمد مانند اجاره به شرط تملیک یا تشکیل صندوق‌های مسکن و ساختمان، حمایت از سهام‌داران خرد در بورس و … قابل‌اعمال است. بااین‌حال گفتنی است رفتار غیرمسئولانه در حوزه بورس در سال گذشته، شرایطی را فراهم کرد که بخشی از دارایی سهامداران خرد که اقشار کم‌درآمد جامعه بودند، به نفع سهام‌داران عمده از بین رفت که این به معنی کمک به افزایش میزان نابرابری توزیع ثروت بود.

ادامه از صفحه اول

پاسداشت حرمت قانون

قانون اساسی، به کرات و در موارد مختلف تفصیل اجمال‌های خود را به قانون ارجاع داده است و غیر از این موارد نیز چنانچه اجمالی وجود داشته باشد، تا حدی که تعادل و غایت قانون اساسی به هم نخورد و تصمیمی برخلاف نص آن اتخاذ نشود، مجلس صاحب صلاحیت تفصیل است. فصل پنجم قانون اساسی بیانگر اساس و جریان اصلی اداره امور مملکت است و خارج از این اساس، هر نهاد دیگری که تأسیس شده یا هر صلاحیت دیگری که سه چهار نهاد اصلی سریده شده باشد، نهادها، و صلاحیت‌هایی استثنائی هستند که قدرت و قلمرو آنها باید به نحو مضیق تفسیر شود. بنابراین اگر قانون اساسی مسئولیت انطباق شرایط نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری با قانون اساسی را به شورای نگهبان سپرده است، شورای نگهبان نمی‌تواند در اعمال این صلاحیت به قوت و قلمرو تفصیری «لوازم اعطای مسئولیت» و امثال ذکا استناد کرده و قواعدی را وضع کند. صلاحیت‌های شورای نگهبان استثنائی و محدود به نص قانون اساسی است. این اقدام شورای نگهبان البته مسبوق است. پیش از این و در سال ۱۳۸۶ به موجب نظریه تفسیری اصول چهارم، نودویکم و نودونهم قانون اساسی، شورای نگهبان خود را مرجح «تصویب ضوابط و مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی شورای نگهبان که انجام وظایف آن به تشخیص شورا متوقف بر آنهاست» دانسته بود.

پیش‌تر نیز آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان توسط خود این شورا به تصویب رسیده بود. همه اینها مصادیق خودقانون‌گذاری و فراتر رفتن از حدود صلاحیت‌های مقرر در قانون اساسی است. حقوق‌دانان شورای نگهبان به‌خوبی با اصل عدم صلاحیت آشنا هستند و می‌دانند که اگر صراحتا صلاحیت برای یک نهاد وضع و معین نشده باشد، آن نهاد چنان صلاحیتی ندارد؛ در اینجا که اصل عدم صلاحیت به اصل هفتادویکم نیز مزین است که صلاحیت قانون‌گذاری در «عموم مسائل» را به مجلس شورای اسلامی اعطا کرده است. شورای نگهبان در این قفر حده تک‌نوشیده به کار خود صورتی قانونی و اساسی بدهد و آن را به‌عنوان تفسیری شورای نگهبان از اصل یکصدوپانزدهم قانون اساسی بیان کند که منزلت قانون اساسی پاس داشته شود. اگرچه به نظر می‌رسد تفسیر شورای نگهبان اصولا باید راجع به موارد «ابهام» در قانون اساسی باشد و «اجمال»‌ها را

همان‌گونه که گفته شد مجلس شورای اسلامی باید تفصیل بدهد؛ اما شورای نگهبان در اینجا حتی از تفصیل اجمال‌ها از طریق صدور نظریه تفسیری نیز تر زده است! نگاهی بدبینانه می‌گوید این ظفره‌رفتن شورا از تفسیر قانون اساسی که پیش‌تر نیز در امتناع از تفسیر رسمی عبارت «رجل سیاسی» نمود یافته بود، به این دلیل است که صلاحیتش راجع به کیفیت تأیید صلاحیت داوطلبان انتخابات ریاست‌جمهوری (که آن هم داستانی است و مجالی دیگر می‌خواهد) مفید و محدود نشود؛ چراکه نظریه تفسیری، خود شورای نگهبان را هم مقید می‌کند و این همان چیزی است که از قانون انتظار می‌رود. گویا امتناع شورای نگهبان از صدور نظریه تفسیری اصل یکصدوپانزدهم به همان علت است که بارها مصوبات ادوار گوناگون مجلس راجع به بسط و تفصیل اصل یکصدوپانزدهم را به عذر مغایرت با قانون اساسی رد کرده است.

یعنی جلوگیری از هر رویه و اقدامی که موجب محدودیت مانور شورای نگهبان می‌شود. اگر قانون‌گذاری مجلس دراین‌باره و تفصیل شرایط اصل یکصدوپانزدهم خلاف قانون اساسی است، به همان طریق مصوبه‌گذاری شورای نگهبان که اساسا صلاحیت مقرره‌گذاری و وضع بدوی قواعد کلی را ندارد؛ نیز خلاف قانون اساسی است. امضای شورای نگهبان به‌عنوان مرجح تفسیر قانون اساسی، صحه اساسی بودن هیچ تصمیمی نیست، اگر آن تصمیم خود بر مبنای و تشریفات مندرج در قانون اساسی اتخاذ نشده باشد.